

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال پانزدهم شماره بیست و هشتم بهار و تابستان ۹۶ (صص ۴۸-۳۱)

بررسی برخی از ویژگی‌های رمانتیسیم در شعر کودک و نوجوان جعفر ابراهیمی

۳- علیرضا فولادی

۲- رضا شجری

۱- علی ارمغان

چکیده

جعفر ابراهیمی «شاهد» از سراینندگان برجسته و از متقدمان حوزه شعر کودک و نوجوان ایران است. در آغاز کار سرودن شعر، اشعار رمانتیک فروغ فرخزاد، الگوی وی بوده است. وی از ویژگی‌ها و اصول جریان رمانتیسیم به تناسب حال و موقعیت مخاطب کودک و نوجوان بهره برده است. پژوهش حاضر می‌تواند به شناخت بهتر این شاعر و شناخت غیر مستقیم جریان رمانتیسیم در شعر کودک و نوجوان ایران کمک کند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و تحلیلی محتوا با استفاده از منابع کتابخانه ای است، که در آن، ضمن ارائه دیدگاه‌های ابراهیمی در مورد شعر کودک و نوجوان و تطبیق آنها با اصول رمانتیسیم، ویژگی‌های جریان رمانتیسیم در شعر کودکانه و نوجوانانه این شاعر بررسی شده است. برآیند تحقیق، حکایت از آن دارد که خصائصی همچون طبیعت‌گرایی، روستاگرایی، گرایش به مسائل نوستالژیک، احساس‌گرایی، فردگرایی، گرایش به سیاحت و سفر و همچنین تلاش در جهت کشف مضامین تازه و تعابیر نو، برخی از ویژگی‌های قابل ذکر رمانتیسیم در شعر ابراهیمی هستند.

کلید واژه ها: شعر کودک و نوجوان، رمانتیسیم، جعفر ابراهیمی، طبیعت‌گرایی، روستاگرایی.

۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) Email: Armaghana@grad.kashanu.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان Email: rshajari@mail.kashanu.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان Email: Fouladi@mail.kashanu.ac.ir

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۶

۱-مقدمه

اگر چه ادبیات فارسی از بسیاری جهات با ادبیات غرب تفاوت دارد و نمی‌توان تمامی مفاهیم و اصطلاحات خاص ادبیات اروپایی را در مورد ادبیات فارسی به کار برد و برای جنبش‌ها و مکتب‌های اروپایی معادل دقیقی در ادبیات و فرهنگ ایرانی جستجو کرد. (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱)، در جریان‌های ادبی معاصر فارسی، گاه ویژگی‌هایی مشهود است که آنها را با برخی از مکتب‌های ادبی غربی قابل انطباق می‌کند. البته در تسهیل این گرایش‌ها نباید تأثرات غربی را از تحولات مشرق‌زمین نادیده گرفت، چنان که نوشته‌اند: «رنسانس گرچه تحت تأثیر یونان و روم کهن، از اعماق قرون وسطی سر برکشید، ولی هرگز پدیده‌ای تک بعدی و خالصاً غربی نبود. دو برخورد طولانی با اسلام، یکی در قرون وسطی و به صورت جنگ‌های صلیبی و دیگری در همان حول و حوش رنسانس و در هیات تخاصم با امپراطوری عثمانی، شدیداً بر غرب تأثیر گذاشته بود.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۶۳)

رمانتیسم از جریان‌هایی است که شاعران به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از آن بهره برده‌اند. شهریار در یکی از منظومه‌های خود یاد آور می‌شود که رمانتیسم نخستین بار از طریق داستان‌های رمانتیک به ایران آمده و مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته است. شهریار در همین منظومه که در دیوان وی با عنوان «در ذکر مفاخر ادب و هنر ایران» چاپ شده است، میرزا جعفر خامنه‌ای را پیشگام بهره‌گیری از تخیل و فانتزی رمانتیک در ایران معرفی می‌کند، تخیلی که بعدها درافسانه نیما به کمال می‌رسد. (صدری نیا، ۱۳۸۴: ۱۳۵) در جای دیگری، میرزاده عشقی شاعر انقلابی و مبارز دوره معاصر به عنوان نخستین چکاد رمانتیسم در ایران معرفی شده است. (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۲).

به نظر می‌رسد در شعر معاصر فارسی، از مکتب‌های مختلف ادبی غربی، مکتب رمانتیسم کاربرد و کارایی بیشتری داشته است و حوزه تأثیر آن تا شعر کودک و نوجوان فارسی نیز گسترش یافته است. از جمله شاعران کودک و نوجوان ایران که تحت تأثیر رمانتیسم به سرودن شعر برای رده‌های سنی کودک و نوجوان پرداخت، جعفر ابراهیمی متخلص به «شاهد» است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

ابراهیمی به طور خاص بعضی از ویژگی‌های رمانتیسم را که با سرشت شعر کودک و نوجوان و همچنین روحیات شخصی او متناسب بوده است، در شعرش به کار گرفته است. مقاله حاضر عهده‌دار بررسی این ویژگی‌ها در شعر ابراهیمی است و به این سوالات پاسخ می‌دهد:

۱-۱-۱ آیا در شعر کودک و نوجوان شواهد و نمونه‌هایی برای رمانتیسم وجود دارد؟

۱-۱-۲ چه ویژگی‌هایی از رمانتیسم در شعر جعفر ابراهیمی قابل احصاء است؟

۱-۱-۳ رمانتیسم ابراهیمی از نوع ایرانی است یا اروپایی؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

۱-۲-۱ احصاء و تحلیل و بررسی نمونه‌هایی برای ویژگی‌های موجود رمانتیسم در شعر جعفر ابراهیمی.

۱-۲-۲ ذکر نظرات شاعر در مورد شعر کودک و نوجوان و انطباق آنها با ویژگی‌های ذکر شده از رمانتیسم در شعر او.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با اینکه در مورد تاثیر مکتب رمانتیسم در شعر بزرگسال فارسی، تا کنون تحقیقات بسیاری انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از: « برخی از معانی رمانتیستی در شعر نادر نادرپور» از مریم خلیلی جهانتیغ و علی دلارامی، «بن‌مایه‌های شعر رمانتیکی نیما» از مهدی شریفیان و اعظم سلیمانی ایرانشاهی، «جلوه‌های رمانتیسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی» از فاطمه معین‌الدینی و « جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی» از سید مهدی رحیمی و دیگر نویسندگان که مقالات مذکور به ترتیب در شماره‌های چهاردهم، پانزدهم، هجدهم و بیست و یکم پژوهشنامه ادب غنایی به چاپ رسیده است؛ لیکن به نظر می‌رسد در موضوع شعر کودک و نوجوان جعفر ابراهیمی و تاثیرپذیری آن از مکتب رمانتیسم تا کنون پژوهشی صورت نگرفته باشد. بنابراین، مقاله حاضر می‌تواند دریچه‌ای باشد که از آن به شعر رمانتیک این دسته از مخاطبان نگریسته می‌شود. در مورد شعر و زندگی جعفر ابراهیمی نیز کتاب مستقلی که به این موضوع اختصاص یافته، مجلد هجدهم، از مجموعه چهره‌های ادبیات کودکان و نوجوانان است، که به همت نشر روزگار، به چاپ رسیده است. پژوهش دیگری با عنوان « صور خیال در شعر کودک و نوجوان ایران» عهده‌دار بررسی تصویرآفرینی‌های شعر این شاعر بوده است. (ارمغان، ۱۳۸۲: ۲۷۶-۲۲۸) همچنین در مقاله‌ای با عنوان «سیرتشبیه در شعر کودک و نوجوان» که بر مبنای آثار پنج شاعر مطرح در حوزه شعر کودک و نوجوان شکل گرفته، به آرایه تشبیه در شعر ابراهیمی نیز پرداخته شده است. (پورالخاص و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵-۳۹)

۴-۱- روش تحقیق و حجم نمونه

روش تحقیق این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیل محتواست و مقاله بر اساس شیوه‌ی یادداشت‌برداری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و به صورت غیر میدانی شکل یافته است. در مقاله حاضر، که خلاصه شده پژوهش مفصل‌تری است که نگارندگان در آن به نمونه‌ها و شواهد بسیاری برای رمانتیسیم در شعر ابراهیمی دست یافته‌اند، ده عنوان از کتاب‌های شعر کودکان و نوجوانان ابراهیمی بررسی شده‌اند. با عنوان‌های: آب مثل سلام (برای گروه سنی «ج»، سال‌های پایان دبستان)، آسمان ابری نیست (برای نوجوانان)، بوی گنجشک (برای دوره راهنمایی)، خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا (برای سال‌های دبستان)، قالی رنگین کمان (گروه سنی «ج و د»، سال‌های پایان دبستان و دوره راهنمایی)، لبخند شبنم‌ها (گروه سنی «ج و د»، سال‌های پایان دبستان و دوره راهنمایی)، سبزپوش مهربان (برای دوره راهنمایی)، مثل یاس (برای سال‌های آغاز دبستان)، غنچه‌های شعر (برای سال‌های دبستان)، باغ سبز شعرها (گروه سنی «ج و د»، سال‌های پایان دبستان و دوره راهنمایی). لازم به ذکر است با توجه به اینکه سال انتشار برخی از کتاب‌های فوق مشترک است، در ارجاعات داخل متنی، منابع مذکور با حروف مختلف الفبای فارسی از هم تفکیک شده‌اند.

۲-نگاهی به زندگی جعفر ابراهیمی

جعفر ابراهیمی متخلص به «شاهد» در سال ۱۳۳۰ در روستای حور، از روستاهای استان اردبیل، در منطقه هشتمین طولش به دنیا آمد. زادگاه این شاعر کودک و نوجوان، به روایت اشعار و نوشته‌هایش، روستایی کوهستانی با طبیعتی نیمه جنگلی و بسیار سرسبز و خرم بوده است و علاوه بر آن، باستانی و پر از دفینه‌های باارزش و بکر، با گورهای قدیمی گبران (کاشفی خوانساری و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۲) روستایی که در تمام دوره شاعری این شاعر همواره تاثیر طبیعت آن در روح و ذهن او مشهود است و از وی یک شاعر رمانتیک می‌سازد.

کودکی ابراهیمی تا سن ده سالگی در روستا گذشت، پس از آن، به تهران مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. تحصیلات خود را در تهران، تا مقطع دیپلم، در رشته ریاضی سپری کرد. وی به مدت ده سال نویسنده برنامه‌های رادیویی بوده و مسئولیت‌های مختلف دیگری را نیز بر عهده داشته است. (ذبیح نیا عمران و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۷)

در آغاز شاعری، الگوی ابراهیمی، فروغ فرخزاد بوده است؛ البته در شعرهای بعد از تولدی دیگرش که صمیمیتی خاص دارند. (کاشفی خوانساری و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۹) این را باید یادآور شد که فروغ از شاعران رمانتیک میانه‌رو بود، که در اصل، پیرو نیما و رمانتیک اروپایی وی بوده است. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) ابراهیمی پس از انقلاب، به کار سرودن شعر برای کودک و نوجوان پرداخت و شروع به همکاری با نشریات رشد و کیهان بچه‌ها کرد. و همچنین به عنوان مسئول شورای شعر در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول به کار شد. (کاشفی خوانساری و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۱)

جعفر ابراهیمی به اتفاق پنج شاعر دیگر، پس از انقلاب نخستین هسته شعر کودک و نوجوان ایران را در جلسات هفتگی کیهان بچه‌ها شکل دادند و بهترین اشعار را برای این گروه از مخاطبان سرودند. (حجوانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷) بنابراین با توجه به فضل تقدم این شاعر و نظر به اهمیت جایگاهش در شعر کودک و نوجوان ایران و آثار شعری فراوانی که برای این دسته از مخاطبان خلق کرده، این مقاله بر آنست که به بررسی و تبیین نوع جریان شعری این شاعر و ویژگی‌های شعر او بپردازد. فرض ما نیز در این موضوع بر آن است که به استناد به گفته شاعر، در الگوگیری از فروغ فرخزاد و همچنین با نگاهی گذرا به شعر او، وی شاعری با گرایش‌های رمانتیکی است. و سوال پژوهش ما نیز این است که در صورت رمانتیک بودن شعر او، رمانتیسم او از چه نوعی است؟ و اصول و ویژگی‌های آن کدام است؟

۳- برخی از جنبه‌های رمانتیسم در اشعار جعفر ابراهیمی «شاهد»

۳-۱- طبیعت‌گرایی

از نظر ژان ژاک روسو، رمانتیسم، بازگشت به طبیعت است. (فورست، ۱۳۷۵: ۱۳) گرایش به طبیعت در شعر ابراهیمی، اصل و بنای سرودن شعر است؛ چرا که طبیعت به وی شاعری بخشیده است. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۶) حکایت گرایش این شاعر به سرودن شعر، ما را به یاد سخنان شاعران رمانتیک عرب، ابراهیم ناجی و ابوشادی می‌اندازد که طبیعت را مادر و استاد خویش خوانده‌اند. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۲۴) از نظر او، شاعر باید در اشیا غرق شود، در طبیعت غرق شود و خود، جزئی از اشیا و طبیعت شود. شاعر نباید فقط زیبایی‌های طبیعت را ببیند و از آنها حرف بزند، بلکه باید در زیبایی غرق شود و بکوشد که خود نیز زیبا شود و وقتی زیبا شد جزئی از طبیعت می‌شود. آن

وقت است که شعرهایش نیز زیبا می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۲۰) به گفته لیلیان فورست، یگانگی انسان و طبیعت در شعر و نثر رمانتیک و حتی در نقاشی رمانتیک کاملاً عادی و مرسوم است، خصوصاً در مواقعی که محیط طبیعی، شباهت تامی با حالت و وضعیت روح و ذهن فرد پیدا می‌کند. (فورست، ۱۳۷۵: ۵۳) زمانی که برخی از اشعار و نوشته‌های این شاعر را می‌خوانیم، این گفته برای ما ملموس‌تر می‌شود و یگانگی شاعر با طبیعت و اجزاء و عناصر آن را به وضوح می‌بینیم. ابراهیمی در توصیف یک روز طوفانی که مقدمه سرودن یکی از اشعارش به نام «بیدها» شده است، می‌نویسد: آن روز من در توفان حل شدم، توفان شدم. روبرویم خندقی بود که اطراف آن پوشیده از درخت‌های بید بود. در آن لحظه توفانی دیدم که درخت‌ها چه می‌کنند! چنان به رقص در آمده بودند و چنان شاخه‌هایشان را به دست توفان داده بودند، که حس کردم توفان نه از بیرون وجود درخت‌ها که از درون آنها تکانشان می‌دهد... (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۵۸)

ابراهیمی از پرداختن به طبیعت در شعر خود اهدافی را دنبال می‌کند که یکی از این اهداف، شناخت خالق هستی است وی می‌گوید: همین عناصر طبیعت باعث می‌شود تا کودکان و نوجوانان گام‌های اولیه را در راه شناخت خالق هستی بردارند و البته در این جهت، ابتدا به خود و جایگاه خود در این عناصر طبیعی بیندیشند. (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۷) هدف دیگر، تقویت اراده کودک و هماهنگی روحی اوست. بنابراین دست طبیعت همواره برای یاری رسانی و آموزش به نوع بشر آماده بوده است. (همان: ۱۶۹) این همان مضمونی است که شاعر-منتقدان رمانتیک انگلیسی به آن دست یافته بودند؛ یعنی آموزش ضمنی و غیر مستقیم شعر، به گونه‌ای که وردزورث درباره شاعر گفت: هر جا که می‌رود کوله‌باری از عشق و محبت و پیوند به همراه دارد و اقلیم حس‌پذیری انسان‌ها را وسعت می‌بخشد. (هارلند، ۱۳۹۳: ۱۳۱)، پرورش قوه خیال و واداشتن مخاطب به تفکر نیز از اهداف ابراهیمی در گرایش به طبیعت است. او در جایی می‌گوید:... توجه دادن کودکان به راز و رمزهای خلاقانه در طبیعت، ضمن آنکه تخیل آنها را بارور می‌سازد، آنها را به تفکر نیز می‌کشانند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۷) از میان نظریه‌پردازان رمانتیک، وردزورث به طبیعت و تخیل در شعر گرایش داشت و آن را محمل اصلی هنر به شمار می‌آورد و معتقد بود قوه تخیل است که در شعر بیشترین تاثیر را بر شاعر می‌گذارد. (ولک، ۱۳۷۷: ۷۸) علاوه بر این درک درونگرایانه، که در شعر ابراهیمی در ارتباط با طبیعت می‌بینیم، شاعر در صحنه آرایه‌ها و تصویرپردازی‌های شاعرانه خود نیز، از طبیعت و اجزای آن بهره کافی برده است:

دوباره جاده خاکی / دوباره رود و سرود / دوباره خنده گل‌ها / دوباره کومه و دود / دوباره تپه و صحرا / دوباره خار و گون / دوباره باغ گلایی / دوباره خانه و من... (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۶)

در این شعر، ابراهیمی کودکی را مساوی با طبیعت می‌داند و دقیقاً مواجه شدن با طبیعت که در شعر موج می‌زند، وی را به یاد دوران کودکی می‌اندازد. در شعر زیر نیز طبیعت‌گرایی شاعر صورت رمانتیک‌تری دارد؛ یعنی از آن دست است که شاعر خود را با نمادها و نمادهای طبیعی یکی می‌داند: مانند یک زنبق / در کوه می‌مانم / مانند یک پوپک / آواز می‌خوانم / من می‌کنم پرواز / مثل پرستوها / پرواز دارم / من / همراه با قوها... (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۵)

در این شعر، ابراهیمی شاعر بودن خود را مدیون هم‌رنگ شدن با طبیعت می‌شمارد و رفتار و کرداری را شایسته یک شاعر می‌انگارد که الگو گرفته از طبیعت باشد.

در مورد اهمیت طبیعت در شعر ابراهیمی، خوب است اشاره کنیم که در یک بررسی موضوعی شعرهای چاپ شده ابراهیمی، در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ از میان ۲۶۲ شعر بررسی شده این شاعر، تعداد ۹۹ شعر با موضوع طبیعت سروده شده‌اند؛ یعنی ۳۷/۰۹ درصد اشعار وی به طبیعت اختصاص دارد. (کاشفی خوانساری و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۳)

۲-۳- روستاگرایی

گرایش به روستا و زندگی بدوی، یکی از وجوه طبیعت‌گرایی است. در تلقی رمانتیک‌ها، روستا در تقابل با شهر، مظهر زندگی طبیعی انسان و یادگار معصومیت از دست رفته عصر سنت است، حال آنکه شهر، جلوه گاه زندگی تصنع‌آمیز و ره آورد تمدن پر قساوت بشری است. از همین رو نیز غالباً تصویر شهر با پلیدی و رنگ و نیرنگ عرضه می‌شود. جوهره این تلقی رمانتیک از شهر و روستا در کلام ویلیام کوپر (۱۸۰۰-۱۷۳۱) بازتاب شاعرانه یافته است. «خداوند روستا را آفرید و انسان شهر را» (صدری نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۵). روسو، پیش از بلیک به تضاد فرد و اجتماع پرداخت، اما چاره آن را پناه بردن به زندگی طبیعی دانست. وی اظهار داشت: در طبیعت، انسان در آرامش می‌زیست و از «قرارداد» اثری نبود. او از حرص و آز رنج نمی‌برد. بدنش قوی بود و حواس تیزی داشت... طبق نظر روسو این وحشی اصیل، طبعاً خوب بود و خودخواهی، با پیشرفت تمدنی که همه چیز را با معیارهای مادی می‌سنجید بروز کرد. (خسرو نژاد، ۱۳۸۲: ۵۲) در نظر ابراهیمی روستا مکانی است که لحظه‌های آن زیبا و ناب است و انسان در آنجا هوشیار است و به طبیعت خویش

نزدیک. آنجا خاکش بوی محبت و گل دارد و آسمانش به انسان لبخند می‌زند و به قولی: روستا در شعر ابراهیمی، یک آرمانشهر است. (سیدآبادی، ۱۳۷۳: ۱۱) یکی از اشعار روستایی ابراهیمی، شعر زیر است:

آه آنجا چه جای خوبی بود! / خاک، بوی محبت و گل داشت / خنده آسمان در آن هر دم / گل
زیبای زندگی می‌کاشت... (ابراهیمی، ۱۳۷۱: ۱۴).

در شعری به نام «آن روزها» ابراهیمی ضمن آوردن آرزوهایی از کودکی خود در ارتباط با روستا، از این که به شهر آمده، متأسف است و می‌گوید دلم در روستا مانده است:

آن روزها می‌خواستم من / در روستا باشم همیشه / هر روز باشم در دل دشت / در کوه و دره،
باغ و بیشه... (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۲)

در برخی از اشعار نیز، در تقابل با روستا، شاعر به مذمت شهر می‌پردازد. و به رسم شاعران رمانتیک، اینگونه، شهر را که نمادی است برای مدرنیته توصیف می‌کند:

چیست آنجا که از آن / دود بر می‌خیزد؟ / دوده از هر طرفش / بر زمین می‌ریزد... (ابراهیمی،
۱۳۷۲: ۲۴).

۳-۳-۳- فردگرایی

ابراهیمی شاعری فردگراست، کودک شعر او همواره دم از خویش می‌زند. با توجه به اینکه، از خویش گفتن و حدیث نفس، پدیده‌ای عمیقاً رمانتیک است. (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۱) این خصیصه می‌تواند یکی از ویژگی‌های رمانتیک شعر این شاعر باشد. منظور ما از فردگرایی، در اینجا همان است که در کتاب مکتب‌های ادبی از آن ذیل عنوان شخصیت و با تعبیر فرمانروایی من و بیان خواهش‌های دل خویش (سید حسینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۸۰) یاد شده است. اینکه در شعر ابراهیمی ضمیر مفرد «من» در سرودن اشعار کاربرد زیادی دارد و در اشعارش، ضمائر جمع کمتر مشاهده می‌شود، می‌تواند دلیلی بر فردگرایی او باشد. شاید ابراهیمی، کاربرد فراوان ضمائر مفرد را در شعرش بهانه و دست‌مایه‌ای برای شخصیت بخشیدن و استقلال و اعتماد به نفس دادن به مخاطب کودک و نوجوان قرار داده و از این طریق بخواهد استفاده و برداشتی تربیتی در شعرش داشته باشد.

آنجا که ابراهیمی، از من سخن می‌گوید موضوعاتی چون سپاس خداوند، ستایش پدر، مادر و آموزگار، توصیفات، لالایی‌ها، شادی، آرزو، انتظار، مباحث آموزشی و ... مطرح می‌شود. نمونه‌هایی از شعرهای فردگرایانه شاعر به قرار زیر است:

آموزگار مهربانم / ای مهر تو مهر خدایی / ای آنکه در جانم نهادی / مهر و امید و روشنایی.
(ابراهیمی، ۱۳۶۵، b: ۶)

هنرمند رمانتیک، خویشتن را نمونه هموعان قرار می‌دهد. (سید حسینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۸۰) و آنگونه که پیداست در این شعر، ضمیر من، و به عبارتی مخاطب شعر، نماینده‌ای است برای جامعه کودک و نوجوان و در اشعاری دیگر از این دست نیز روال به همین صورت است. در شعر زیر هم فردگرایی شاعر به وضوح پیداست:

با چشمم، با دستم / باران را بوسیدم / چشمانم را بستم / باران را نوشیدم... (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۲۲)
در مورد شعرهای زیر و نمونه‌های فراوان دیگری از مجموعه‌های بررسی شده نیز فردگرایی شاعر صادق است؛ به این معنی که شاعر در اغلب نمونه‌ها از خویشتن و خواهش‌های دل خویش سخن می‌گوید:

یک داستان دیشب / از آسمان خواندم / یکدم نخوابیدم / همراه شب ماندم... (ابراهیمی، ۱۳۷۲: b: ۱۷)
عروسک قشنگم / حرفی بزن برایم / که با شنیدن آن / ز خستگی در آیم... (ابراهیمی، ۱۳۶۵: a: ۱۴)
ندیدم هیچکس را مهربانتر / ز مادر در تمام زندگانی / شوم آسوده از هر رنج وقتی / نگاهم می‌کند با مهربانی / ز لبخندم لبش پر خنده گردد / ز اندوهم، بیازد رنگ و رو را / چو در آغوش گرمش جای گیرم / درون قلب خود می‌بینم او را... (ابراهیمی، ۱۳۶۵: b: ۱۹)

۴-۳- احساس‌گرایی

وردزورث، شعر را فیضان بی اختیار احساساتی نیرومند می‌داند که از احساسی فریاد آمده به هنگام آرامش نشات می‌گیرد... و احساس، از هر نوع، به هر میزان و ناشی از هر علتی که باشد، با لذات گوناگونی مشخص می‌شود، به نحوی که در توصیف هر گونه احساس پرشوری که به طور ارادی وصف شود، ذهن در مجموع مسرور خواهد بود. (پاینده، ۱۳۷۳: ۵۲) ابراهیمی، شعر را نوعی توفیق در بیان احساسات می‌داند و شعری را موفق و موثر می‌شمارد که در بیان حس درونی شاعر، واقع‌گرایانه‌تر باشد. او می‌گوید: تنها هنرمندان این سعادت را دارند که بتوانند حس‌هایشان را بیان

کنند و بیان این حس‌ها چیزی نیست جز هنر و شعر. شاعری که بتواند حسش را طوری بیان کند که به تجربه حسی واقعی و حقیقی‌اش نزدیک‌تر باشد، شعرش قوی‌تر خواهد بود و بهتر به مخاطبش منتقل خواهد شد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶۱) ابراهیمی در شعرش اغلب در صدد القای عاطفه و احساس به مخاطب است. به عنوان نمونه در شعری، تصویرهایی از قبیل گریه کودک ابر، غمگین شدن آسمان، نشستن پنجره در سکوت زیر باران، پرپر شدن گل خورشید و روئیدن قارچ‌های رنگارنگ را به خدمت گرفته است. مخاطب وقتی این تصاویر را درک کرد، احساس و عاطفه اوست که دگرگون و متأثر می‌شود و بر اندوه شاعر و کبوترهایش دل می‌سوزاند و به آنها می‌اندیشد:

صدای گریه‌های کودک ابر / دوباره آسمان را کرده غمگین / دوباره، پنجره در زیر باران / نشسته در سکوتی سرد و سنگین (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۶).

در یکی از نوشته‌های ابراهیمی می‌خوانیم: "چندی پیش، برای جمعی از نوجوانان شعر می‌خواندم، دختر نوجوانی از من خواست که اولین شعری را که در کودکی سروده‌ام بخوانم و من گریستم. به او گفتم: «این اولین شعری بود که گفتم.» آری از آن روز بود که توانستم خیالم را به سبزه‌ها گره بزنم و قاه قاه کبک‌ها را از دامنه کوه بشنوم" (ابراهیمی، b، ۷۱: ۴۵). اینکه شاعر از نخستین سروده‌اش با عنوان «گریستن» یاد کرده دقیقاً می‌تواند بیانگر احساسات فراوان حاکم بر اشعارش باشد. خصوصاً حس غم و اندوهی که بر بعضی از اشعارش به واسطه دوری از ایام کودکی حاکم است.

شعر زیر نیز که از اشعار چوپانی ابراهیمی است، حاکی از غم و اندوهی است که در اثر نواختن نی، بر دشت حاکم شده است: چوپان نی‌اش را زد / صحرا پر از غم شد / ساری پرید از دشت / گلبوته‌ای خم شد. / آهنگ نی بر دشت / یک حال دیگر داد / آرام شد هر چیز / باد از صدا افتاد. (ابراهیمی، b، ۱۳۷۲: ۳۳)

در اشعار متعدد دیگری از کتاب‌های بررسی شده، گرایش شاعر به احساسات و هیجان‌ها مشهود است که برخی از آنها عبارتند از:

کتاب آب مثل سلام: شعرهای برف، من شاعرم، سفره شب، بهار، آواز پوپک، کلاغ، خواب من، بچه آهوها، آن روز، با چشمم با دستم و شهر.

کتاب خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا: شعرهای چراغ خانه، گل و شبنم، من و عروسکم، دریا، کتاب، نیلوفران آبی، باران.

کتاب بوی گنجشک: شعرهای جای او خالی، پیراهن باد، طوفان، جای پا، سلام، دختر قالیباف، کاش می‌شد، بهار، چمنزار آسمان.

کتاب آسمان ابری نیست: شعرهای آن روزها، از بهاران، وقتی که بچه بودم، روئیدن، ننه سرما، فانوس آسمان، دختر قالیباف، بهار، باغ پنجره.

کتاب باغ سبز شعرها: شعرهای بهار پیروزی، زندگی چه زیباست، آموزگار، شاگرد جنوب، شب زیبا، مهربانترین، در سنگر عشق، بهاران سنبل آورد، پدر، من و کوه، باغ سبز شعرها، ماه و ستاره‌ها، برف، انقلابی دیگر، راه بهشتی.

در کتاب‌های بررسی شده دیگر نیز احساس‌گرایی با همین آهنگ به چشم می‌آید.

۵-۳- نوستالژی

آیزایا برلین (۱۹۰۹-۱۹۹۷م)، اندیشه‌نگار و نظریه‌پرداز سیاسی، رمانتیسم را اینگونه تعبیر کرده است: رمانتیسم، نوستالژی است؛ آویختن به دامان خیال است؛ رویای مستی بخش است؛ ماخولیای شیرین است و ماخولیای تلخ (برلین، ۱۳۸۷: ۴۳). بازگویی خاطرات و یادهای مبهم گذشته‌های از دست رفته که با حس نوستالژی و حسرت توأم است در شعرهای رمانتیک کشورهای گوناگون حضور چشمگیری دارد و اغلب شاعران رمانتیک، خود را به جریان پر جاذبه و حسرت بار «خاطرات» سپرده‌اند. (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۶۲)

به نظر می‌رسد در حوزه شعر کودک و نوجوان، شاعر دیگری همچون ابراهیمی به مسائل نوستالژیک نپرداخته باشد و شاید بتوان ابراهیمی را تنها شاعری دانست که شعر او با حس نوستالژی همراه است. اگر چه بسامد عواطف و اندیشه‌های نوستالژیک در شعر ابراهیمی بالا نیست؛ نوستالژی در شعر و شاعری او نقش مهمی را ایفا می‌کند، زیرا به گفته خودش همیشه به یاد کودکی‌اش حسرت خورده است و این شاید دلیل مهمی بر شاعر کودک شدن وی باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۷۰) بر این پایه، از درونمایه‌های شعر وی، حسرتی است که نسبت به گذشته دارد؛ حسرتی که مخصوص خود شاعر است و می‌تواند ارتباطی با مخاطب شعر نداشته باشد چرا که مخاطب کودک و نوجوان، گذشته‌ای ندارد که بخواهد حسرت آنرا بخورد؛ پس درکی از مسائل نوستالژیک هم ندارد. آنچه در شعر این شاعر محل حسرت است دنیای ساده و زیبای کودکی و بازی‌های آن و طبیعت محل زندگی اوست. شاعر در این یادکردها و بازگویی خاطرات به نوعی سوگوار معصومیت از دست رفته آن روزگاران است و به کودکی خود که بسیار خاطره‌انگیز است گاه، شکلی اساطیری می‌دهد.

اسطوره، بخشی از حیات دوران کودکی بشر است که به سر آمده است و به شکلی پوشیده، حاوی آرزوهای دوران کودکی نوع بشر است. (آبراهام، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۰۴). اشعار زیر نمونه‌هایی از این دست هستند:

آه آنجا چه جای خوبی بود/ خاک، بوی محبت و گل داشت/ خنده آسمان، در آن، هر دم/ گل
زیبای زندگی می‌کاشت. (ابراهیمی، a، ۱۳۷۱: ۱۴)

آنگونه که پیداست، شعر فوق پر است از دریغ شاعر به خاطر دوری از روستا؛ روستای زادگاه شاعر که سرشار از محبت و مهربانی و شادی بود. در دل این حسرت البته حس شیرینی که حاصل یادآوری خاطرات است نیز مکتوم است. در شعر زیر نیز حس نوستالژیک یادآوری خاطرات دوران کودکی مشهود است:

وقتی که بچه بودم / گل بوی دیگری داشت/ این آسمان آبی / گل‌های بهتری داشت (ابراهیمی،
a، ۱۳۷۴: ۱۰)

در شعر زیر هم شاعر از یکی از روزهای شیرین و شاد ده سالگی خویش یاد کرده است:
یادم آمد، روز خوبی بود/ آه، روز پیش بود انگار/ باد نرمی می‌وزید از کوه/ موج بر می‌داشت
گندمزار.../ رفته است آن روزها اکنون/ نیستم من، دیگر آن کودک/ مانده اما باز در گوشم/ نغمه‌های
شاد آن پوپک (ابراهیمی، b، ۱۳۷۲: ۱۲). در کتاب‌های بررسی شده، اشعار دیگری نیز یافت می‌شود
که حکایت کننده حس نوستالژیک شاعرند.

۶-۳- سفر و سیاحت

از نظر ابراهیمی، شعر این توانایی را دارد که ما را به زمان‌های دیگر ببرد. ما می‌توانیم به وسیله شعر، در زمان سفر کنیم و به زمان‌های دور برویم (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶۲) بنابراین گاهی شعر برای این شاعر وسیله‌ای است برای گریختن از فضای موجود و رفتن به سفری خیالی یا حتی گاهی ابزاری است برای گزارش کردن سفری جغرافیایی و واقعی. از آنجا که آزدگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی فضاها یا زمان‌های دیگر، دعوت به سفر تاریخی یا جغرافیایی، سفر واقعی یا بروی بال‌های خیال، یکی از مشخصات آثار رمانتیک است (سید حسینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۸۱)، این دست از شعرهای ابراهیمی می‌توانند نمونه‌هایی از تأثیرات مکتب رمانتیسم بر ذهن و زبان او باشند.

در این سفرها، شاعر غالباً به طبیعت و اماکن طبیعی سفر می‌کند؛ مکان‌هایی که همه زیبا و رؤیایی هستند و رفتن به اینگونه فضاها می‌تواند آرزویی برای مخاطب شعر باشد. سفر به کوه‌ها و دره‌ها و دشت‌ها و یا سفر به آسمان و ماه. در شعر «بهاران سنبل آورد» از کتاب باغ سبز شعرها، شاعر ضمن اشاره به فرا رسیدن بهار و توصیف طبیعت زیبای بهاری، اینگونه، مخاطب شعر خود را به سیر و گشت و رفتن به جایی بهتر و زیباتر فرا می‌خواند:

...دوباره چشمه‌های خفته در یخ / شد از آب زلال و پاک، لبریز / زمین خفته باز از خواب برخاست / برای سیر و گشت از جای برخیز.

در شعری، شاعر در خواب، صدایی را می‌شنود که او را به سوی شعری فرا می‌خواند که در، آن سوی کوه و درروستایی واقع در دره ای سرسبز و باشکوه است (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۸)

در کتاب‌های بررسی شده، سفرهای شاعر، تقریباً همه خیالی است و البته شاعر به صورت غیر مستقیم سفر خیالی خود را گزارش می‌کند، ولی گاه به صورت مستقیم، شاعر از پرنده خیال خود، درخواست می‌کند که او را به مکان‌هایی آرمانی ببرد؛ به جاهایی که هر کدام از آنها می‌تواند نمادی از ویژگی‌ها و صفات خوب باشد؛ مثل آسمان که نمادی است برای اوج و تعالی، دور دست‌ها و بیشه‌های بی نشان که می‌توانند سمبل‌هایی برای گمنامی و اخلاص باشند، سرزمین نورها که درخشش و شفافیت و صداقت را به ذهن متبادر می‌کند:

پرنده خیال من / مرا ببر به آسمان / مرا ببر به اوج‌ها / کنار آن ستارگان... (ابراهیمی، ۱۳۶۵: ۲۹)

در شعر دیگری، شهری زیبا و نورانی تصویر می‌شود که همان شهر خواب است؛ شهری که با سیاهی شب از راه می‌رسد و ناگاه دری از آن گشوده می‌شود:

... ناگاه می‌بینم / شهری چراغانی! / شهری که می‌بینم / دروازه‌ای دارد / از آسمان آن / مهتاب می‌بارد. (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۹)

در شعر کودکانه زیر نیز، شاعر، که از بودن در مکان فعلی خسته شده و به دنبال خیالات و فضاهای جدید است، در خیال خویش همراه با پرنده‌گان به سیر و سیاحت در جهان می‌پردازد:

...من می‌کنم پرواز / مثل پرستوها / پرواز دارم من / همراه با قوها... (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۵)

موارد دیگری از این گونه سیاحت در بعضی از کتاب‌های بررسی شده به قرار زیر است:

کتاب سبز پوش مهربان: صفحات ۸، ۲۰، ۳۶.

کتاب آب مثل سلام: شعرهای سفره شب، خواب من، شهر.

کتاب خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا: شهر خواب، دریا، تماشا، کتاب.

کتاب آسمان ابری نیست: باغ پنجره، آسمان دفترم.

کتاب لبخند شب‌نم‌ها: سفر، لبخند شب‌نم‌ها، مرد غمگین.

۷-۳- تلاش در جهت کشف مضامین تازه و تعابیر نو

هنرمند رماتیک از طریق کاوش در ذهن خود، به دنبال کشف ناشناخته‌هاست. (پاکباز، ۱۳۵۴):
 (۲۲) در کتاب مکتب‌های ادبی، به نقل از «سنت بو» منتقد بزرگ قرن نوزدهم از این ویژگی با عنوان «آرزوی بزرگی برای کشف ناشناخته‌ها» یاد شده است. (سید حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۲) شعر کودک در ایران، خصوصا در عهد شاعرانی چون ابراهیمی، که از متقدمان شعر کودک محسوب می‌شوند، مانند شعر به معنای عام آن، مسبوق به سابقه‌ای نیست تا بتوان در آن از سنت‌های گذشته و از مضامین و تعابیر گذشتگان بهره برد و اگر هم سابقه کهنی در این میان بود، البته که مخاطب این شعر و بی تجربگی او، اجازه استفاده از تعابیر گذشته را نمی‌داد. بنابراین شاعران کودک عموماً باید همواره در پی کشف فضاهای تازه و به روز باشند. ابراهیمی نیز قسمتی از تلاش خود را مصروف این کار کرده است و البته از خواننده شعرش نیز انتظار دارد که به کشف بپردازد و مسائل و روابط اشیاء را درک کند او در کتاب سیب کال کودکی‌ها، به مخاطب شعرش می‌گوید: کاش شما بتوانید حس‌هایی را که من نتوانستم در کودکی کشف کنم و بفهمم، کشف کنید و بفهمید! و معناهای بیشمار زندگی را بیش از من بفهمید و دریابید. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۲۷) از این سخن پیداست که شاعر به دنبال برداشت‌ها و تعبیرات متفاوت از یک مصداق واحد به نام زندگی است. پس در شعرش «ماه» که در شعر قدیم به روی یار تشبیه می‌شده، به کاسه شیر یا چونه نان مانند شده است و تعبیرات نو دیگر؛ مثلاً کودکی‌ها مانند سیب‌های کالی هستند، ابرها همچون پتوهایند، یا صفت چاق برایشان می‌آید، گنجشک‌ها چون میوه‌هایی کال بر درختانند، مهتاب مانند غنچه‌ای است و آسمان شب مانند سفره‌ای گلدار است و سنجاک مانند هواپیماست و برف همچون پنبه است و آسمان شب مانند سفره‌ای گلدار است و تعبیراتی از این دست. در شعر زیر، شاهد تلاش شاعر هستیم برای به کار بردن تصویرهای شعری تازه و تعبیراتی نو و خودساخته؛ همچون تصویر «میوه‌های کال برای گنجشک‌ها» و «برگ برای سکوت» و «پرتقال زرد برای خورشید»؛ تعبیراتی کودکانه که به نظر می‌رسد مسبوق به سابقه نیستند؛ البته کوشش شاعر در ساختن اینگونه تصاویر می‌تواند ضمن پرورش خلاقیت مخاطب، برگی بر کتاب سنت شعری کودک و نوجوان بیفزاید:

گنجشک‌ها چون میوه‌هایی کال/ برشاخه‌های بید رویدند/ با جیک جیکی تند و پی در پی/ ابرگ سکوت ظهر را چیدند/ خورشید مثل پرتقالی زرد/ در قلب صاف آسمان چرخید/ یک بچه آنجا بود، زیر بید/ از خنده گنجشک‌ها خندید... (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۷)

در شعر زیر نیز شاعر تعبیرات و تصویرهایی کودکانه و تازه برای ابر و برف ارائه کرده است: پرده را می‌کشم تا/ آسمان را ببینم/ با نگاهم گلی از / دورترها بچینم/ تکه ابر سفیدی/ گوشه آسمان است/ ابر از دور انگار/ مثل یک سایبان است/ برف، مثل لحافی است/ روی کوه دماوند/ نه، ولی هست انگار/ مثل یک کله قند/ برف، مثل لحافی / بر سر کوه مانده/ ابر چاقی خودش را/ بر سر او کشانده/ ابر چاقی نشسته/ آن طرف، مثل فیلی/ آن طرفتر ولی هست/ آسمان رنگ نیلی/ پرده را می‌کشم باز/ رو به روی دماوند/ مانده در ذهنم اما/ شکل آن ، مثل لبخند. (همان: ۸)

۴- نتیجه

رمانتیسم از جریان‌های ادبی غربی است که به صورت معنی‌دار، از دوره مشروطه وارد شعر فارسی شده است و با توجه به شرایط اجتماعی جامعه کنونی ایران و گستردگی جنبه‌ها و تعاریف رمانتیسم، شعر معاصر را به صورت گسترده تحت تاثیر قرار داده است. و در این بین شعر برخی از شاعران کودک و نوجوان نیز متأثر از شعر بزرگسال معاصر، رنگ و بوی رمانتیک به خود گرفته است. جعفر ابراهیمی یکی از سرایندگان شعر کودک و نوجوان است که از این تاثیر بر کنار نبوده است. و این تاثیر می‌تواند حاصل الگو گرفتن او در آغاز کار شاعری، از فروغ فرخزاد، که شاعری رمانتیک، با گرایش به رمانتیسم اروپایی است، باشد. و می‌توان با توجه به این تقلید و همچنین ویژگی‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد، گفت که رمانتیسم جعفر ابراهیمی نیز از نوع اروپایی است. از میان ویژگی‌های رمانتیسم، حضور برخی از ویژگی‌ها در شعر او چشمگیرتر است؛ مواردی چون طبیعت‌گرایی، روستاگرایی و نوستالژی، که البته در ذکر موارد نوستالژیک اشارات این شاعر می‌تواند منحصر به فرد باشد و شاید در حوزه شعر کودک و نوجوان، شاعر دیگری یافت نشود که به گستردگی ابراهیمی در شعرش به مسائل نوستالژیک پرداخته باشد. از جنبه‌های دیگر رمانتیک در شعر ابراهیمی می‌توان به احساس‌گرایی، فردگرایی، گرایش به سیاحت و سفر و همچنین تلاش در جهت کشف مضامین تازه و تعبیر نو اشاره کرد.

۵- منابع

- ۱- آبراهام، کارل، *رویا و اسطوره، درجهان اسطوره شناسی*، چاپ اول، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز، ۱۳۷۷ .
- ۲- ابراهیمی، جعفر، *غنچه‌های شعر*، چاپ دوم، تهران: کتاب‌های شکوفه وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵ a .
- ۳- _____، *باغ سبز شعرها*، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۵ b .
- ۴- _____، *بوی گنجشک*، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۱ a .
- ۵- _____، *لحظه‌ها در شعر، شعر در لحظه‌ها*، نشریه سوره نوجوانان، ش ۳۸، ص ۴۵، ۱۳۷۱ b .
- ۶- _____، *آب مثل سلام*، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۲ a .
- ۷- _____، *لبخند شبنم‌ها*، چاپ اول، تهران: مدرسه، ۱۳۷۲ b .
- ۸- _____، *آسمان ابری نیست*، چاپ دوم، تهران: انتشارات هنر و ادبیات انقلاب، ۱۳۷۴ a .
- ۹- _____، *بوی کال یاس*، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۴ b .
- ۱۰- _____، *مثل یاس*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۴ p .
- ۱۱- _____، *خورشیدی اینجا خورشیدی آنجا*، چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶ a .
- ۱۲- _____، *قالی رنگین کمان*، چاپ اول، تهران: مدرسه، ۱۳۷۶ b .
- ۱۳- _____، *سبزپوش مهربان*، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۲ .

- ۱۴- _____، لحظه‌ها در شعر، شعر در لحظه‌ها، چاپ اول، تهران: موسسه انجمن قلم ایران، ۱۳۸۹.
- ۱۵- _____، پنجره‌ای رو به کودکی و شعر، فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، سال اول، ش ۲، صص ۱۷۱-۱۶۵، تهران، ۱۳۹۳.
- ۱۶- ارمغان، علی، صور خیال در شعر کودک و نوجوان ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲.
- ۱۷- برلین، آیزایا، ریشه‌های رمانتیسم، چاپ اول، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: ماهی، ۱۳۸۷.
- ۱۸- پاکباز، روئین، بررسی هنری و اجتماعی امپرسیونیسم، چاپ اول، تهران: رز، ۱۳۵۴.
- ۱۹- پاینده، حسین، بخش‌هایی از مقدمه ویلیام وردزورث بر ترانه‌های غنایی، ارغنون، سال اول، شماره دوم، صص ۵۳-۱۳۷۳، ۴۷.
- ۲۰- پورالخاص، شکر الله و فرشید باقری، سیر تشبیه در شعر کودک و نوجوان، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره دوم، صص ۳۹-۵۵، تهران، ۱۳۹۲.
- ۲۱- ثروت، منصور، آشنایی با مکتب‌های ادبی، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۵.
- ۲۲- جعفری جزئی، مسعود، سیر رمانتیسم در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز، ۱۳۸۶.
- ۲۳- حجوانی، مهدی، زیبایی‌شناسی ادبیات کودک، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
- ۲۴- خسرونژاد، مرتضی، معصومیت و تجربه، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، چاپ اول، تهران: مرکز، ۱۳۸۲.
- ۲۵- خلیلی جهانتیغ، مریم، دلارامی، علی، برخی از معانی رمانتیستی در شعر نادر نادرپور، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هشتم، ش چهاردهم، صص ۲۷-۵۲، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹.
- ۲۶- فورست، لیلیان، رمانتیسم، چاپ اول، مترجم مسعود جعفری جزئی، تهران: مرکز، ۱۳۷۵-۲۷- فتوحی، محمود، بلاغت تصویر، چاپ دوم، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۹.
- ۲۸- ذبیح نیا عمران، آسیه و حسین بردخونی، تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در ایران، چاپ اول، تهران: نشر فدک ایساتیس، ۱۳۹۳.

- ۲۹- رحیمی، سید مهدی و دیگران، *جلوه‌های رمانتیسم در شعر سیمین بهبهانی*، پژوهشنامه ادب غنایی، سال یازدهم، ش بیست و یکم، صص ۱۲۴-۱۰۳، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲.
- ۳۰- سید آبادی، علی اصغر، *یک نکته، یک کتاب*، نشریه سوره نوجوانان، ص ۱۱، تهران، ش ۷۱، ۱۳۷۳.
- ۳۱- سید حسینی، رضا، *مکتب‌های ادبی*، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: آگاه، ۱۳۹۱.
- ۳۲- شریفیان، مهدی، سلیمانی ایرانشاهی، اعظم، *بن مایه‌های رمانتیکی شعر نیما*، پژوهشنامه ادب غنایی، سال هشتم، ش پانزدهم، صص ۷۴-۵۳، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹.
- ۳۳- صدری نیا، باقر، *جلوه‌های رمانتیسم در شعر شهریار*، صص ۱۵۲-۱۳۳، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال چهل و ششم، ۱۳۸۲.
- ۳۴- کاشفی خوانساری، علی و پدرام پاک آیین، *چهره‌های ادبیات کودکان و نوجوانان ۱۸ جعفر ابراهیمی*، چاپ اول، تهران: روزگار، ۱۳۸۰.
- ۳۵- مدرس، فاطمه و علی صمدی، *تاثیر رمانتیسم در آثار میرزاده عشقی*، نشریه فنون ادبی، صص ۱۹-۳۶، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، ش ۲، ۱۳۹۱.
- ۳۶- معین‌الدینی، فاطمه، *جلوه‌های رمانتیسم در شعر مقاومت سید حسن حسینی*، پژوهشنامه ادب غنایی، سال دهم، ش هجدهم، صص ۱۸۴-۱۶۷، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۱.
- ۳۷- ولک، رنه، *مفهوم رمانتیسیسم در تاریخ ادبی*، چاپ اول، ترجمه مجتبی عبدالله نژاد، مشهد: محقق، ۱۳۷۷.
- ۳۸- هارلند، ریچارد، *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت*، چاپ چهارم، مترجمان شاپور جورکش و علی معصومی، تهران: چشمه، ۱۳۹۳.